

شرایط پذیرش توبه از لسان امام جواد(ع)

تولد مبارک امام جواد (ع) نه تنها پایان بخش دله‌های شیعیان و افشای نیت فرصت‌طلبان و سودجویانی چون فرقه واقفیه بود، بلکه آغاز فصل نوینی از تاریخ ائمه اطهار (ع) است. زندگی و راه و روش این امام همام باید برای جوانان جامعه ما الگو باشد.



تولد مبارک امام جواد (ع) نه تنها پایان بخش دله‌های شیعیان و افشای نیت فرصت‌طلبان و سودجویانی چون فرقه واقفیه بود، بلکه آغاز فصل نوینی از تاریخ ائمه اطهار (ع) است. زندگی و راه و روش این امام همام باید برای جوانان جامعه ما الگو باشد.

به گزارش خبرنگار دین و اندیشه خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، امام نهم شیعیان حضرت جواد (ع) در سال ۱۹۵ هجری در مدینه منوره چشم به جهان گشود. نام نامی‌اش محمد معروف به جواد و تقی است. القاب دیگری مانند: رضی و متقی نیز داشته‌اند، ولی تقی از همه معروف‌تر است. **نهمین پیشوای ما را به خاطر دست بخشنده و گستردگی جود و کرم، «جواد» می‌خوانند.**

پدر بزرگوارش حضرت رضا (ع) و مادر ارجمندش بانویی مصری تبار به نام سبیکه بود، ریحانه و خیزران از دیگر نام‌های مادر امام جواد (ع) است.

حضرت رضا (ع) در مورد منزلت فرزندش امام جواد (ع) و مادر مکرمه آن حضرت، به یارانش فرمود: من دارای پسری شده‌ام که همچون موسی شکافنده دریاها علم است و مانند عیسی مادری پاک دارد.

امام محمد تقی (ع) هنگام وفات پدر ۸ ساله بودند. پس از شهادت جانگداز حضرت رضا علیه السلام در اواخر ماه صفر سال ۲۰۳ هجری مقام امامت به فرزند ارجمندش حضرت جوادالائمه (ع) انتقال یافت.

مأمون خلیفه عباسی که همچون سایر خلفای بنی عباس از پیشرفت معنوی و نفوذ باطنی امامان معصوم و گسترش فضایل آن‌ها در بین مردم هراس داشت، سعی کرد ابن الرضا (ع) را تحت مراقبت خاص خویش قرار دهد. «از اینجا بود که مأمون نخستین کاری که کرد، دختر خویش ام الفضل را به ازدواج حضرت امام جواد (ع) درآورد، تا مراقبی دایمی و از درون خانه، بر امام گمارده باشد. رنج‌های دایمی که امام جواد (ع) از ناحیه این مأمور خانگی برده است، در تاریخ معروف است.»

از روش‌هایی که مأمون در مورد حضرت رضا (ع) به کار می‌بست، تشکیل مجالس بحث و مناظره بود. مأمون و بعد معتصم عباسی می‌خواستند از این راه به گمان باطل خود امام (ع) را در تنگنا قرار دهند. در مورد فرزندش حضرت جواد (ع) نیز چنین روشی را به کار بستند. به خصوص که در آغاز امامت هنوز سنی از عمر امام جواد (ع) نگذشته بود. مأمون نمی‌دانست که مقام ولایت و امامت که موهبتی است الهی، بستگی به کمی و زیادی سال‌های عمر ندارد.

حضرت جواد (ع) با عمر کوتاه خود که همچون نوگل بهاران زودگذر بود و در دوره‌ای که فرقه‌های مختلف اسلامی و غیر اسلامی در میدان رشد و نمو یافته بودند و دانشمندان بزرگی در این دوران، زندگی می‌کردند و علوم و فنون سایر ملت‌ها پیشرفت نموده و کتاب‌های زیادی به زبان عربی ترجمه شده و در دسترس قرار گرفته بود، با کمی سن وارد بحث‌های علمی شد و با سرمایه خدایی امامت که از سرچشمه ولایت مطلقه و الهام ربانی مایه گرفته بود، احکام اسلامی را مانند پدران و اجداد بزرگوارش گسترش داد و به تعلیم و ارشاد پرداخت و به مسائل بسیاری پاسخ گفت.

یکی از ابعاد بزرگ زندگی ائمه، بعد فرهنگی است. این پیشوایان بزرگ هرکدام در عصر خود فعالیت فرهنگی داشته در مکتب خویش شاگردانی تربیت می‌کردند و علوم و دانش‌های خود را توسط آنان در جامعه منتشر می‌کردند، اما شرایط اجتماعی و سیاسی زمان آنان یکسان نبوده است، مثلاً در زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام شرایط اجتماعی مساعد بود و به همین جهت دیدیم که تعداد شاگردان و راویان حضرت صادق علیه السلام بالغ بر چهارهزار نفر می‌شد، ولی از دوره امام جواد تا امام عسکری علیه السلام به دلیل فشارهای سیاسی و کنترل شدید فعالیت آنان از طرف دربار خلافت، شعاع فعالیت آنان بسیار محدود بود و از این نظر تعداد راویان و پرورش یافتگان مکتب آنان نسبت به زمان حضرت صادق علیه السلام کاهش بسیار چشمگیری را نشان می‌دهد.

بنابراین اگر می‌خوانیم که تعداد راویان و اصحاب حضرت جواد علیه السلام قریب ۱۱۰ نفر بوده‌اند و جمعا ۲۵۰ حدیث از آن حضرت نقل شده، نباید تعجب کنیم، زیرا از یک سو، آن حضرت شدیداً تحت مراقبت و کنترل سیاسی بود و از طرف دیگر، زود به شهادت رسیدند و به اتفاق نظر دانشمندان بیش از ۲۵ سال عمر نکردند.

درعین حال، باید توجه داشت که در میان همین تعداد محدود اصحاب و راویان آن حضرت، چهره‌های درخشان و شخصیت‌های برجسته‌ای مانند: علی بن مهزیار، احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، زکریا بن آدم، محمد بن اسماعیل بن بزيع، حسین بن سعید اهوازی و احمد بن محمد بن خالد برقی بودند که هر کدام در صحنه علمی و فقهی وزنه خاصی به شمار می‌رفتند و برخی دارای تالیفات متعدد بودند.

از طرف دیگر، روایان احادیث امام جواد علیه السلام تنها در محدثان شیعه خلاصه نمی‌شوند، بلکه محدثان و دانشمندان اهل تسنن نیز معارف و حقایقی از اسلام را از آن حضرت نقل کرده‌اند. به عنوان نمونه «خطیب بغدادی» احادیثی با سند خود از آن حضرت نقل کرده است. هم چنین حافظ «عبد العزیز بن اخضر جنابذی» در کتاب «معالم العترة الطاهرة» و مؤلفانی نیز مانند:

ابوبکر احمد بن ثابت، ابواسحاق ثعلبی، و محمد بن منده بن مهربذ در کتب تاریخ و تفسیر خویش روایاتی از آن حضرت نقل کرده‌اند.

شهادت حضرت جواد (ع)

این نوگل باغ ولایت و عصمت گرچه کوتاه عمر بود ولی رنگ و بوی مشام جان‌ها را بهره‌مند ساخت. آثار فکری و روایاتی که از آن حضرت نقل شده و مسائلی را که آن امام پاسخ گفته و کلماتی که از آن حضرت بر جای مانده، تا ابد زینت بخش صفحات تاریخ اسلام است. دوران عمر آن امام بزرگوار ۲۵ سال و دوره امامتش ۱۷ سال بوده است. معتصم عباسی از حضرت جواد (ع) دعوت کرد که از مدینه به بغداد بیاید. در سال ۳۰ ذی‌القعدة سال ۲۲۰ هـ. ق معتصم که عموی ام الفضل زوجه حضرت جواد (ع) بود، با جعفر پسر مأمون و ام الفضل بر قتل آن حضرت همدستان شدند.

احادیثی آموزنده از امام جواد (ع)

* شرایط پذیرش توبه چهار چیز است: پشیمانی قلبی، استغفار با زبان، جبران کردن گناه نسبت به همان گناه حقّ الله و یا حقّ الناس، تصمیم جدّی بر اینکه دیگر مرتکب آن گناه نشود.

* هرکس قبر عمّه‌ام حضرت معصومه سلام الله علیها را با علاقه و معرفت در قم زیارت کند، اهل بهشت خواهد بود.

* سه چیز، سبب رسیدن به رضوان خدای متعال می‌باشد: نسبت به گناهان و خطاها، زیاد استغفار و اظهار ندامت کردن. اهل تواضع و فروتن بودن. صدقه و کارهای خیر بسیار انجام دادن.

* نعمتی که از آن شکرگزاری نشود گناهی است که بخشیده نمی‌شود.

* سرزنش کردن دیگران بدون علت و دلیل سبب ناراحتی و خشم خواهد گشت، در حالی که رضایت آنان را نیز کسب نخواهد کرد.

* سه خصلت جلب محبّت می‌کند: انصاف در معاشرت با مردم، همدردی در مشکلات آن‌ها، همراه و همدم شدن با معنویات.

* با فضیلت‌ترین و ارزشمندترین عبادت‌ها آن است که خالص و بدون ریا باشد.

* هر که به خواستگاری دختر شما آید و به تقوا و تدبّر و امانتداری او مطمئن می‌باشید با او موافقت کنید و گرنه شما سبب فتنه و فساد بزرگی در روی زمین خواهید شد.

* هر که کار زشتی را تحسین و تأیید کند، در عقاب آن شریک می‌باشد.

* هر که خود را به وسیله خداوند بی‌نیاز بداند مردم محتاج او خواهند شد و هر که تقوای الهی را پیشه خود کند خواه ناخواه، مورد محبّت مردم قرار می‌گیرد گرچه مردم خودشان اهل تقوا نباشند.

* مؤمن در هر حال نیازمند به سه خصلت است: توفیق از طرف خداوند متعال، واعظی از درون خود، قبول و پذیرش نصیحت کسی که او را نصیحت کند.